

## پژوهش دربارهٔ حفص و روایت قرآنی او

قاسم بستانی

عضو هیأت علمی دانشگاه

شهید چمران اهواز

روایت حفص در امر قرائت قرآن، روایت رایج در بیشتر کشورهای اسلامی از جمله ایران که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، می‌باشد. اما این رواج عملی، این اندیشه را بخصوص نزد برخی از متأخرین، تقویت کرده که روایت مذکور تنها روایت درست چون از طریق ائمه(ع) است، می‌باشد. این که برای ما شیعیان، هر فعل مذهبی یا متعلق بدان، نباید از غیر طریق ائمه(ع) به ما رسیده باشد از جمله لفظ قرآن، مطلبی نیست که خواسته باشیم در رد سخنی بگوئیم، همچنان که دیگر فرق مذهبی نیز چنین احساسی را برای خود درست می‌دانند اما آنچه ما رد صدد تحقیق آن هستیم اینست که آیا در روایت حفص از قرآن چنین ایده آلی به صورت کامل، تحقق پذیرفته است یا نه؟

نویسنده، برای بررسی مطلب بالا، شخصیت حفص(بدون توجه به روایت قرآنی او)، و روایت او را در مورد مذاقه قرار داده است که مقاله حاضر، به موضوع اول یعنی شخصیت حفص(بدون توجه به روایت قرآنی او) می‌باشد. تحقیق درباره موضوع دوم یعنی روایت حفص، نیز آماده است که امیدست، در مقاله‌ای دیگر ارائه شود.

حفص کیست؟(۱) :

او حفص بن سلیمان بن مغیره(یا گفته شده که نام پدر بزرگش چنین است)(۲) بن ابی داود، ابو عمر(۳) اسدی(۴)(مولای آنها)، کوفی، غاصری(۵) بزاز(۶) است(۷) و برخی به نسبت فوق، مقرئ اضافه کرده‌اند(۸) اما معمولاً اصطلاح قارئ یا مقرئ(با همزه) به نسبت فوق و مانند آن اضافه می‌شود.(۹) حفص به حقیص مشهور بود.(۱۰) با او حفص بن ابی داود می‌گویند.(۱۱) و ابن عدی(۱۲) (۲۷۷-۳۶۰ یا ۳۶۵) می‌گوید: ابو الربیع زهرانی(۱۳)(م. ۲۳۴ یا ۲۳۵)، او را به جهت ضعفش در حدیث، این گونه نامیده است.(۱۴)

حفص در سال ۹۰ با دنیا آمد. (۱۵) او ناپسری، فرزندی همسر عاصم، بود (۱۶) و با او در یک خانه زندگی می‌کرد. (۱۷) حفص قاضی کوفه نیز شد. (۱۸) او قرائت را عرضاً و تلقیناً از عاصم أخذ کرد و قرآن را بر او خواند. (۱۹)

حفص در سال ۱۸۰ به قول صحیح، و در سن نود سالگی وفات کرد. (۲۰) عده‌ای چون دانی، و بخاری در الاواسط، سال وفات او در میان ۱۸۰ تا ۱۹۰ دانسته‌اند. (۲۱) ابن الجزری می‌گوید: ابو طاهر بن هاشم (۲۲) و گروهی سال وفات او را اندکی پیش از طاعون می‌دانند در حالی که طاعون در سال ۱۳۱ پیش آمد، لذا فرد مورد نظر آنها باید حفص بن سلیمان منقری بصری (۲۳) از یاران ایوب سختیانی باشد که جلوتر از حفص راوی عاصم فوت کرده است و گویی در این باره تصحیفی بر آنها روی داده است و... اعلم. (۲۴)

شاگردان حفص در امر روایت قرآن:

برای حفص شاگردان بسیاری را قائل شده‌اند که ذیلاً تعدادی از آنان را ذکر می‌کنیم و یادآور می‌شویم که در ترجمه برخی از آنان، اشاره‌ای به شاگرد حفص بودن آنها نشده است و همچنین اکثر آنان ظاهراً از اهل تسنن می‌باشند:

حسین بن محمد مروزی (به تشدید واو) (۲۵) و حمزه بن قاسم احوال و سلیمان بن داود زهرانی (۲۶) و حمدان ابی عثمان دقاق (۲۷) و عباس بن فضل صفار (۲۸) و عبدالرحمن بن محمد بن واقد (۲۹) و محمد بن فضل زرقان (۳۰) و خلف (سید) حداد (۳۱) و عمرو بن صباح (۳۲) و هبیره بن محمد تمار (۳۳) و ابو شعب قواس (۳۵) و فضل بن یحیی بن شاهی بن فراس انباری (۳۶) و حسین بن علی جعفی (۳۷) و احمد بن جبیر انطاکی (۳۸) و سلیمان فقیمی (۳۹) قرائت را از او عرضاً و سماعاً روایت کرده‌اند (۴۰) و نیز حفص بن غیاث (۴۱) (که ظاهراً جزء راویان قرائت نیست) و علی بن عیاش (۴۲) و آدم بن ابی الیاس (۴۳) و علی بن حجر (۴۴) و هشام بن عمار (۴۵) و محمد بن حرب خولانی (۴۶) و علی بن یزید صدائی (۴۷) و لوین. (۴۸) (۴۹)

## زیر نویس‌ها و منابع و مأخذ:

- ۱- دربارهٔ زندگی حفص در منابع مورد مراجعه بسیار کم نوشته شده که ما در این نوشتار آنچه نزد آنان ذکر شده، آوردیم.
- ۲- تهذیب التهذیب، شهاب الدین ابو الفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ هـ.ق)، چاپ اول، ۱۳۲۵ هـ.ق، چاپخانه مجلس دائره المعارف، حیدرآباد، هند، ج ۲، ۴۰۰.
- ۳- در برخی منابع مانند: الفهرست، ابن ندیم ابو الفرج محمد بن ابی یعقوب معروف به اوراق (متوفای اواخر قرن چهارم)، تحقیق رضا تجدد، تهران، ۱۹۷۱-۱۳۵۰ هـ. ش، ص ۳۱ و رجال طوسی، انتشارات حیدریه، نجف، ۱۹۶۱، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۷۶ و روضات الجنات، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، تحقیق اسد الله اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ هـ.ق، ج ۳ ص ۲۵۴ و ۲۵۵ و اعیان الشیعه، سید محسن امین، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۸۱، ج ۲۷، ص ۱۳۹، ابو عمرو ضبط شده است. و دو کینه برای رواه اصحاب الامام الصادق (ع)، عبدالحسین شبستری، مؤسسه نشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.ق، ج ۱، ص ۴۲۹، هر دو کینه برای او ذکر شده است. و در قاموس الرجال، شیخ محمد تقی تستری، نشر اسلامی، چاپ دوم، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق، ج ۳، ص ۵۸۲، پس از ذکر ابو عمرو، از قول خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۸۶، کینه ابو عمر را نیز ذکر می‌کند. و می‌گوید که ظاهراً ابو عمرو و به عمر ابو حفص گفته می‌شود. نیز مؤید این مطلب می‌تواند باشد.
- ۴- منسوب جد قبیله‌ای بزرگ از مضر الحمراء به نام بن خزمه ... یا جد قبیله‌ای دیگر به نام اسد بن ربیع ... تنقح المقال فی علم الرجال، حاج شیخ عبد الله مامقانی، چاپخانه المرتضویه، نجف، ۱۳۵۲ هـ.ق، ج ۱، ص ۲.
- ۵- منسوب به قبیله بنی غاضره که یکی از بطون اسد بن ویره از قضاعه از قحطانیه هستند همچنانکه در سبائک الذهب و نهایه الارب آمده است ... بنی غاضره در

محلّی بر فرات از سواد کوفه نزدیک کربلا سکنی گزیدند لذا بدان محلّی غاضریه گفتند.

نسبت به محلّی یا قبل، غاضره بن الملک، رک: تهذیب، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۰.

در المسیر فی القراءات الاربعه عشره، محمد فهد خاروب، دار ابن کثیر و کلم الطیب،

دمشق، ۱۹۹۵، ص ۲۳۰، ناصری آمده است که به احتمال قوی اشتباه می باشد و

همچنین در الوسیط، تألیف محمد امین استربادی، به نقل از رجال شیخ (به نقل از

قاموس الرجال پیشگفته، ج ۱۰، ص ۲۱۵، فاخری و در معجم رجال ...، پیشگفته، ج ۶،

ص ۱۲۸، والفائق، پیشگفته، ج ۱، ص ۴۲۹ هر دو نسبت ذکر شده است که به احتمال قوی

نسبت فاخری نیز تحریف غاصری می باشد.

۶- صفت مبالغه، نسبت به البز = پارچه فروش.

۷- غایه النهایه فی طبقات القراء، شمس الدین ابی الخیر محمد بن محمد بن الجرری،

متوفای ۸۲۲ هـ، زیر نظر گ. براگستراسر، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۹۳۲، ج ۱،

ص ۲۵۴ و تاریخ القراء العشره، عبد الفتاح قاضی، مکتبه المشهد الحسینی، قاهره،

ص ۲۶ و معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، محمد سالم محیسن، دار الجیل، بیروت،

۱۹۹۲، ج ۱، ص ۲۱۰ و المسیر، پیشگفته، ص ۳۳۰، و تنقیح المقال، پیشگفته، ج ۱،

ص ۳۵۳ و الرجال طوسی، پیشگفته، ج ۱، ص ۱۷۶، و الفهرست، پیشگفته، ص ۳۱ و

روضات الجنات، پیشگفته، ج ۳ ص ۲۵۴ و ۲۵۵ و اعیان الشیعه، پیشگفته، ج ۲۷، ص

۱۳۹ و قاموس الرجل، پیشگفته، ج ۳، ص ۵۸۲ و تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۲،

ص ۴۰۰ و معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم موسوی خویسی، نشر آثار شیعه،

چاپ چهارم، ۱۳۶۰ هـ، قم، ج ۶، ۱۲۸، و دائره المعارف الشیعه العامه، محمد

حسین اعلمی حائری، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، بیروت، ج ۸، ص ۲۷۰ و ۲۷۲ و

الاعلام، خیر الاله زرکی، چاپ سوم، ج ۲، ص ۲۷۸ و المجروحین، محمد بن حبان بن

احمد ابو حاتم تمیمی بسستی، تحقیق محمود ابراهیم زاید، دارالمعرفه، بیروت،

۱۹۹۲، ج ۱، ص ۲۵۵ و تاریخ تراث العربی، فؤاد سرگین، نشر کتابخانه مرحوم آیه

الله مرعشی، قم، چاپ سوم، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۳۳ و معجم الادباء پیشگفته، ج ۱۰،

ص ۲۱۵ و شذارت الذهب فی اخبار من ذهب، ابو الفلاح عبد الحی بن عماد حنبلی

(م . ۱۰۸۹)، المکتب التجاری للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ج ۱، ص ۲۳۹ و الجرح و التعديل، ابو محمد عبدالرحمن بن ابی حاتم الرازی (م . ۳۲۷)، چاپخانه مجلس دائرہ المعارف العثمانیہ، حیدرآباد ہند، چاپ اول، ۱۹۵۲، ج ۳، ص ۱۷۲ .

۸- مانند تستری و مامقانی در توضیح این کلمه می‌گویند: این کلمه با تشدید یاء، نسبت به مقره، شہری در مغرب بہ قول صاغانی است، و الحافظ می‌گوید کہ نزدیک قلعه بنی حماد است. و در تاج العروس آمده کہ گاهی قاف آن تشدید می‌گیرد و احتمال دارد کہ بہ ضم میم و تشدید راء باشد بہ معنای کسی کہ کودکان را قرائت می‌آموزد و احتمال دارد کہ منسوب بہ مقری بہ حذف الف مقصوره و ادخال یاء نسبت، باشد. و در المراصد آمده است کہ مقری بہ ضم میم و سکون قاف و با الف مقصوره بر یاء، قریہای نزدیک صنعاء است کہ بہترین معدن عقیق در آن قرار دارد و بہ فتح میم و سکون قاف و الف مقصوره دہکدہای در شام نزدیک دمشق است اما محدثین و اہل دمشق آن را بہ ضم می‌آورد. تنقیح المقال، پیشگفتہ، ج ۱، ص ۱۲. اما ظاہراً در علم قرائت مقرئ بہ معنای استاد قرائت بہ کار می‌رود لذا همان گونه کہ خواهد آمد، از کلمہ قارئ نیز بہ جای آن استفادہ می‌شود.

۹- تہذیب التہذیب، پیشگفتہ، ج ۲، ص ۴۰۰ و دائرہ المعارف... پیشگفتہ، ج ۸، ص ۳۷۰ (از قول خطیب در تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۸۶) و الفائق، پیشگفتہ، ج ۱، ص ۴۲۹ و معجم الادباء، پیشگفتہ، ج ۱۰، ص ۲۱۶ و الجرح... پیشگفتہ، ج ۳، ص ۱۷۲.

۱۰- غایہ النہایہ، پیشگفتہ، ج ۱، ص ۲۵۴ و تاریخ القراء... پیشگفتہ، ص ۲۶ و معجم حفاظ... ج ۱، ص ۲۱۰ و المسیر، پیشگفتہ، ص ۳۳۰ و تہذیب، پیشگفتہ، ج ۲، ص ۴۰۰.

۱۱- تہذیب التہذیب، پیشگفتہ، ج ۱، ص ۴۰۰ و اعلام، پیشگفتہ، ج ۲، ص ۲۷۸ و دائرہ المعارف... پیشگفتہ، ج ۸، ص ۳۷۰ و المجرومین، پیشگفتہ، ج ۱، ص ۲۵۵ و المجروح... پیشگفتہ، ج ۳، ص ۱۷۲.

۱۲- ابو احمد عبداللہ بن عدی (با تشدید یاء) جرجانی معروف بہ ابن قطان (با تشدید طاء) (۲۷۷-۳۶۰ یا ۳۶۵)، از پیشوایان علم حدیث و رجال و علل حدیث. صاحب کتاب

الکامل فی معرفه الضعفاء و المتروکین. اقوال او نزد اهل سنت در جرح و تعدیل غالباً ذکر می‌شود (مشاهیر دانشمندان اسلامی (الکنی و الاقباب)، شیخ عباس قمی، ترجمه محمد جواد نجفی، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۵۰ ه. ش) ج ۲، ص ۲۳۵ و تاریخ التراث ... پیشگفته، ج ۱، ص ۳۹۹، و شذرات ... پیشگفته، ج ۳، ص ۱۵).

۱۳- ابو ربیع زهرانی بصری (م. ۲۳۴ یا ۲۵۳)، از علما و اقرء طبقه ششم، فقیه و زاهد، قرائت را از جعفر بن سلیمان و برید بن عبد الواحد و عبید بن عقیل و عبد الوارث بن سعید و المعارفی بن یزید روایت کرد و حروفی را از نافع شنید و احمد بن سعید بن شاهین و محمد بن حماد بن ماهان و محمد بن یحیی قطعی و عبدالله بن محمد زعفرانی قرائت را از او روایت کرده‌اند. از بزرگان چون ابو وهب و اشهب حدیث روایت کرده و از او نیز گروه بسیاری از جمله ابو داود و تسائی، حدیث روایت کرده‌اند. ابن معین و ابو زرعه و ابو حاتم و دیگران او را توثیق کرده‌اند (غایه، ج ۱، ص ۳۱۳ و معجم حفاظ ... پیشگفته، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰ و تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۴، ص ۱۹۰ و ۱۹۱ و الجرح ... پیشگفته، ج ۴، ص ۱۲۳).

۱۴- تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۰ و الاعلام، پیشگفته، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۵- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۴ و تاریخ القراء ... پیشگفته، ص ۲۶ و معجم حفاظ ... پیشگفته، ج ۱، ص ۲۱۰ و المسیر، پیشگفته، ص ۳۳۰ و تاریخ التراث ... پیشگفته، ج ۱، ص ۲۳ و المعجم الادباء، پیشگفته، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۱۶- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۴ و تاریخ القراء ... پیشگفته، ص ۲۷ و المسیر، پیشگفته، ص ۳۳۰ و التهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۰ و المعجم الادباء، پیشگفته، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۱۷- المسیر، پیشگفته، ص ۳۳۰.

۱۸- شذرات ... پیشگفته، ج ۱، ص ۱۹۳.

۱۹- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۴ و تاریخ القراء ... پیشگفته، ص ۲۷ و معجم حفاظ ... پیشگفته، ج ۱، ص ۲۱۰ و المسیر، پیشگفته، ص ۳۳۰ و تهذیب التهذیب،

پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۰، و معجم الادباء، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۱۶ و شذرات ...، پیشگفته، ج ۱، ص ۱۹۳ و الجرح ...، پیشگفته، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲۰- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۴ و تاریخ القراء ...، پیشگفته، ص ۲۷ و معجم حفاظ ...، ج ۱، ص ۲۱۱ و تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۱ با عبارت گفته شده است، و تاریخ التراث ...، ج ۱، ص ۳۳ و معجم الدباء، پیشگفته، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲۱- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۵ و تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۱ و ۴۰۲ که از قول دانی نقل می‌کند که او پیش از نود سال عمر کرد.

۲۲- عبدالواحد بن عمر بن محمد بن ابی هاشم، بغدادی بزاز (م. ۲۴۹) در سن بالای ۹۰ سالگی، استادی بزرگ، امامی در نحو، و برزگی ثقه و مولف کتاب البیان و الفصل. قرائت را عرضاً از احمد بن سهیل اشنانی و ابوبکر بن مجاهد و سعید بن عبدالرحیم اخذ کرد و حروف را از گروهی بسیار که در اکثر آنها شیخش ابن مجاهد شریک است، شنید. و گروه بسیاری نیز از او روایت کرده‌اند. او در اماله نون الناس در حالت جری و در قرائت ابو عمرو، با تمام اصحاب خود مخالفت کرد و آنها نیز از او را بدین کار سرزنش می‌کردند. پس از ابن مجاهد به سبب علو مقام و علم، از سوی تمام صاحباش، به صدارت اقراء منصوب شد. قفطی می‌گوید: پس از پس ابن مجاهد مانند او در قرائت دیده نشده است. خطیب می‌گوید: او ثقه‌ای امین بود. (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۴۷۵ تا ۴۷۷).

۲۳- حفص بن سلیمان منقری تمیمی بصری و گفته شده مکنی به ابو الحسن است، از حسن بصری روایت کرد و گفته شده داناترین مردم به حسن بوده است ... و ابو حاتم می‌گوید که او ایرادی ندارد و از یاران قدیمی حسن بصری می‌باشد و نسائی و بخاری او را ثقه و احمد بن حنبل او را صالح می‌دانند ... این حجر د راینجا می‌گوید: این حفص با حفص بزاز فرق دارد، اولی از ثقات و دومی از ضعفاء می‌باشد (تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۲ و الجرح ...، پیشگفته، ج ۲، ص ۱۷۳). ظاهراً از اصحاب ایوب شمرده نشده است.

اما مامقانی می‌گوید: عبدالواحدین عمر بن محمد بن ابی هشام مکنی به ابو طاهر، مقری (به تشدید دال) بدین نام در الفهرست آمده و گفته شده که او عامی است اما دارای کتابی در قرائت علی (ع) می‌باشد... و نجاشی می‌گوید که او غلام ابن مجاهد و عامی و دارای کتابی در قرائت علی (ع) است... علامه در بخش دوم رجالش از او نام برده و گفته‌های الفهرست و نجاشی را آورده‌اند. البته ابن داود او را از جمله کسانی که از ائمه روایت نکرده‌اند... نام می‌برد. خلاصه این که او عامی است و توثیق نشده و در حکم ضعیف است. (تنقح المقال، پیشگفته، ج ۲، ص ۲۳۳)

۲۴- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲۵- حسین بن محمد بن احمد ابو احمد و گفته شده: ابو علی مروزی (تشدید واو) (م. ۲۱۳ یا ۲۱۴ یا ۲۱۵)، قرائت را از اسماعیل بن جعفر و حفص روایت کرد و احمد بن منیع قرائت را از او روایت نمود. او همچنین از جریر بن حازم و ابو غسان محمد بن مطرف و... روایت کرد و ابن حنبل و احمد بن منیع ذهلی و... از او روایت نمودند. اکثراً او روایت نمودند. اکثراً او را توثیق کرده‌اند (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۴۹ و تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۶۶-۳۳۷).

یا: حسین بن محمد ابو عبدالله مردزی، قرائت را از حفص به اسناد ابو رهاوی، روایت کرد و محمد بن عبدالله بن حکم رقی از او قرائت را روایت نمود. ابن الجزری می‌گوید که من این دو را فقط از طریق رهاوی می‌شناسم (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۲).

۲۶- همان گونه که در زندگی نامه نامبرده آمده، ظاهراً ارتباطی با حفص ندارد.

۲۷- او قرائت را عرضاً از حفص روایت کرد و احمد بن موسی صفار قرائت را از او عرضاً روایت نمود. این را از اسحاق طبری و دیگران گفته‌اند (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۶۰).

۲۸- بغدادی، قرائت را عرضاً از حفص بن سلیمان اخذ کرد و احمد بن موسی صفار عرضاً قرائت را از او روایت نمود. این مطلب را، ابن شنود و ابو اسحاق طبری و دیگران ذکر کرده‌اند (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۳۵۴).



۲۹- ابن الجزری ذیل این نام می‌گوید که آن به قول ذهبی است و اشتباه است. نام او ابو شبیله عبیدالله بن عبدالرحمن بن واقد است، غایه، ج ۱، ص ۳۷۹. سپس او را چنین معرفی می‌کند: عبیدالله... ابوشبل ختلی واقدی بغدادی، شیخی مشهور، حروف را از پدرش از احمد بن ابراهیم وراق خلف و از پدرش از کسائی و از احمد بن منصور از خود کسائی و از پدرش از عباس بن فضل به اختیارش و به قرائت ابو عمرو خلف و از پدرش از کسائی و از احمد بن احمد منصور از خود کسائی و از پدرش از عباس بن فضل به اختیارش و به قرائت ابو عمرو و از خارجه از نافع روایت نمود. ابن مجاهد و ابن الانباری و نقاش و محمد بن یونس و حسن بن مالک زعفرانی و قاسم بن محمد بن جمیل از او قرائت را روایت کرده‌اند. غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۴۸۹. و درباره پدرش می‌گوید که او همان عبدالرحمن بن واقد است که به جدش منسوب شده است (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۳۷۴). و ذیل زندگی نامه این فرد اخیر می‌گوید: عبدالرحمن بن واقد ابو مسلم واقدی ختلی مؤدب بغدادی و این گونه هذلی او را معرفی کرده است که همان عبدالرحمن بن عبیدالله است، او مقرئ مشهور است و قرائت را عرضاً از حمزه بن قاسم احوال و صباح بن دینار و محمد بن راصل و احمد بن ابراهیم وراق خلف و عبدالرحمن بن ابی حماد روایت کرد و حروف را از اسماعیل بن جعفر و عبای بن فضل و علی بن حمزه کسائی و حفص بن سلیمان و عدی بن فضل از دی روایت نمود. از ابو عمرو شنید و فرزندش ابو شبیل عبیدالله شیخ ابن مجاهد و احمد بن فرخ مفسر، قرائت را از او روایت کرده‌اند (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۳۸۱). پس نقل اول ابن الجزری در ترجمه حفص، اشتباه است و باید عبدالرحمن بن واقد یا ابن عبیدالله بن واقد ذکر می‌کرد.

و عسقلانی نیز او را عبدالرحمن بن واقد (م. ۲۴۷) می‌نامد و در توثیق او اختلاف نکز می‌کند (تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۶، ص ۲۹۲-۲۹۳).

۳۰- بغدادی معروف به زرقان، قرائت را عرضاً از حفص از عاصم اخذ کرد و احمد بن موسی صفار قرائت را از او عرضاً روایت نمود. این را ابن شنبوذ و ابو اسحاق طبری ذکر کرده‌اند (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۲، ص ۲۲۹).

۳۱- در النشر، این نام شکل فوق ذکر شده که به نظر می‌آید در محل سفیدی، نامهای افتاده باشد. به هر حال، نامی که خلف حداد باشد، در منابع مورد مراجعه یافت نشد.

۳۲- عمرو بن صباح بن صبیح ابوحفص بغدادی ضریر، از قراء طبقه ششم، مقرئ ضابط و ضابطه. قرائت را عرضاً و سماعاً از حفص بن سلیمان روایت کرد و از بزرگترین اصحاب او بود، و همچنین از ابو عمرو سهل از حفص و نیز از یوسف اعشی از ابو بکر حروفی را روایت کرد. قرائت را عرضاً از او، ابراهیم بن عبدالله سمسار و حسن بن مبارک و زرکان بن احمد و عبدالصمد بن محمد بن عیونی و علی بن محسن و احمد بن موسی صفار و عبدالرحمن بن زروان و احمد بن جبیر و محمد بن یزید بن هارون و محمد بن عبید قاضی و محمد بن عبدالرحمن خیاط و ابو جعفر احمد بن محمد حمید ملقب به فیل، روایت کردند. گفته می‌شود که او بر حفص قرائت را از عرصه نداشته است. اما ابن الجزری می‌گوید که نزد ما عرض بر حفص ثابت شده است. او به سال ۲۲۱ وفات کرد. ابن الجزری از این که عمرو و عبید یکی هستند یا برادر یا برادر یا غیر این دو، می‌گوید: والله اعلم (غایبه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۶۰۱).

۳۳- عبید بن صباح بن ابی شریح بن صبیح ابو محمد نهشلی کوفی و سپس بغدادی، از قراء طبقه ششم، مقرئ ضابط و صالح. قرائت را عرضاً از حفص از عاصم اخذ کرد. دانی می‌گوید که او از بزرگترین اصحاب حفص و ضابطترین آنهاست. احمد بن سهل اشسانی و عبد الصمد بن محمد عینونی، قرائت را عرضاً از او روایت کردند و همچنین حس بن مبارک انماطی چنانچه اهوازی از شیخ غضائری از ابو هاشم زعفرانی از او روایت کرده است و همچنین است در جامع البیان. ابن شنود می‌گوید که غیر اشسانی کسی از او روایت نکرده است بلکه آنچه از او ذکر شده از طریق اداء است نه روایت. و می‌گوید: اشسانی می‌گوید که میان اصحاب عمرو آن کسانی که او بر آنها خوانده است، و (اصحاب) عبید خلاق را ندیده است. اما این اشتباه است چون از طریق غیر او، خلاف از آن دو مشاهده می‌شود. ابن الجزری می‌گوید که این سخن آخر ابن شنوود با اظهارات قبلی او که غیر اشسانی از او کسی روایت نکرده، در تناقض

است. ابوعلی اهوازی می‌گوید: عمرو بن صباح و عبید بن صباح با هم برادر نیستند. دانی می‌گوید: این دو برادرند. و عجیب این که عده‌ای هر دو را یکی دانسته‌اند. ابوالحسن بن بن غلبون از علی بن محمد از احمد بن سهل نقل می‌کند که (سهل) گفت: بر ابو محمد عبید بن صباح خواندم و هر چه آموختم از پرهیزگاران پارسا بود و (عبید) گفت: قرآن را از اول تا به آخر بر ابو عمر حفص خواندم و استوار گردانیدم در حالی که کسی میان ما حضور نداشت. اهوازی می‌گوید: شنیدم احمد بن عبدالله بن حسین می‌گفت شنیدم محمد بن عبیدالله بن حسن می‌گفت که عبید سال ۲۲۵ وفات کرد. اما ابن الجزری می‌گوید که افراد ثقیف از علی بن احمد از کندی برایم روایت کردند از ابو منصور بن خیرون، از حسن بن علی بن محمد جوهری، سال ۴۵۴، از ابوالقاسم خرقی و ابوبکر احمد بن محمد سوید هر دو از ابوالعباس اشنانی که گفت که عبید سال ۲۱۹ وفات کرد و این درست است و الله اعلم (غایه‌النهاییه، پیشگفته ج ۱، ص ۴۹۵ و ۴۹۶ و معجم حفاظ ...، پیشگفته، ج ۱، ص ۴۰۷ و ۴۰۸).

۳۴- ابو عمرو ایرش بغدادی. مشهور به اقراء و معرفت و دقت ضابط، از قراء طبقه ششم، او قرائت ششم، او قرائت را عرضاً از حفص بن سلیمان از عاصم اخذ کرد. و حسون بن هیثم و احمد بن علی بن فضل خزاز و خضر بن هیثم طوسی عرضاً و سماعاً از او اخذ قرائت کردند و حسون ضابط ترین اصحاب هبیره و چیره دست ترین آنها است. هبیره فقط در پنج حرف با عمرو بن صباح مخالفت کرد: یوم الزینه (طه/۵۹) به نصب، قرن فی بیوتکن (احزاب/۳۳) به کسر قاف، بنصب و عذاب (ص/۴۱) به فتح نون و سکون صاد، فالحق و الحق اقول (ص/۸۴) به نصب در هر دو، و کسر سین در یحسب و مانند آن در زمان مضارع (غایه‌النهاییه، پیشگفته، ج ۲، ص ۳۵۱ و معجم حفاظ ...، پیشگفته، ج ۱، ص ۵۹۵ و ۵۹۶).

۳۵- صالح بن محمد کوفی، گفته شده: بغدادی، فردی مشهور. بر حفص بن سلیمان قرائت را عرصه داشت و از او قرائت را عرضاً احمد بن حسن ماحانی و احمد بن موسی صفار و احمد بن یزید حلوانی و حسن بن عباس رازی و احمد بن علی بزاز دو شیخ ابوبکر نقاش، روایت کردند. نقاش می‌گوید: احمد بن علی بزاز و حسن بن علی

رازی فقط در یک حرف از رعد ، با هم اختلاف داشتند، رازی به ضم صاد در هر دو بزاز به کسر بر من خواندند. و نیز عبدالله بن هذیل و صلت بن شبنوذ و ابراهیم سمسار . ابن الجزری می‌گوید که ذهبی اشتباهاً ابو جعفر محمد بن موسی صفار را، احمد صاحب قواس نه سوسی دانسته و قواس را نیز همان سوسی گرفته است در حالی که قواس همان است که بال گفته شد و سوسی صالح بن یزید می‌باشد، شیخ ذهبی ، جبی نیز اشتباهاً قواس را سوسی دانسته است (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱ ، ص ۳۳۴ و ۳۳۳) .

۳۶- قرائت را عرضاً و سماعاً از حفص از عاصم روایت کرد و احمد بن بشار و فضل بن شاذان عرضاً قرائت را از او روایت نمودند. فضل می‌گوید: بر حفص خواندم و او قرائت را از قرآن تا آخر آن به خط خود برای من نوشت. دانی در الجامع خود، می‌گوید که این فضل ، پدر بزرگ احمد بن بشار است (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۲ ، ص ۱۱) .

۳۷- حسین بن علی بن فتح ، ابو عبدالله و گفته می‌شود ابوعلی یا ابو محمد جعفری مولای آنها (۱۱۹-۲۰۳ یا ۲۰۴) ، کوفی ، مقرئ ، امامی بسیار برجسته و زاهد و یکی از اعلام و حجت و عالم به حدیث و معلم کوفه، از قراء طبقه پنجم ، بر حمزه یکی از کسانی که او را جانشین خود در قرائت قرار داد. خواند و قرائت را از ابوبکر بن عیاش و ابو علاء روایت نمود و ایوب بن متوکل بر او خواند و خالد بن خالد و او هشام محمد بن یزید رفاعی و هارون بن حاتم و عنبسه بن نصر و طیب بن اسماعیل و حسین بن علی بن اسود و محمد بن هیثم بن خالد و مضر بن علی و محمد بن ابراهیم طحان، قرائت را از او روایت کردند. او همچنین از جعفر بن یزید بن مرزوق و عبدالرحمن بن یزید بن جابر و سفیان ثوری و مجمع (با تشدید میم) بن یحیی انصاری و دیگران حدیث روایت کرد و ابن حنبل و اسحاق بن راهویه و یحیی بن معین و احمد بن عمر و کبیری و احمد بن فرات و عباس دوری و محمد بن عاصم ثقفی و بسیاری دیگر از او روایت نمودند. احمد بن حنبل می‌گوید : کسی را بهتر از حسین جعفری ندیدم. و قتیبه بن سعید می‌گوید: به سفیان بن عنیه گفتند که حسین جعفری آمد و او پس از شنیدن این خبر از جا پرید و ایستاد و گفت: بهترین مردی که ممکن است وجود

داشته باشد، آمد. موسی بن داود می‌گوید: نزد لبن عیبیه بودم که جعفری آمد پس سفیان برخاست و دستش را بوسید. او می‌گفت که جعفری بهترین مرد روی زمین است. ابوهشام رفاعی از کسائی روایت می‌کند می‌کند: رشید به من گفت: امروز قاری ترین مردم چه کسی است؟ گفتم: حسن جعفری. عجلی و بخاری و ابن سعد و ابن معین و دیگران نیز او را او توثیق کرده‌اند. مامقانی می‌گوید که شیخ او را یک بار جزء اصحاب باقر(ع) و بار دیگر جزء اصحاب صادق(ع) می‌شمارد و ظاهراً امامی مجهول می‌باشد(غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۴۷ و معجم حفاظ ... ج ۱، ص ۲۱۰، و تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۱۱، ص ۳۵۷-۳۵۹ و الجرح ... پیشگفته، ج ۲، ص ۵۵-۵۶ و تنفرح المقال، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۲۳). ظاهراً ارتباطی با حفص ندارد!

احمد بن جبیر بن محمد ... ابوجعفر و گفته شده: ابوبکر، کوفی، از ائمه قرائت، قرآن را سماعاً و عرضاً از کسائی و سلیم و عبید الله بن موسی و کردم مغربی و اسحاق مسیبی(این دو از یاران نافع می‌باشند) و عبدالوهاب بن عطاء و یزیدی و عایذ بن ابی عایذ و حجا بن محمد اعور و حسین بن عیسی و عمرو بن الصباح از حفص، شنید. هذلی قرائت او را مستقیماً بر خود حفص و بر ابن جماز اسناد می‌کند اما ابن الجزری آن را بعید دانسته و احتمال می‌دهد از طریق اسماعیل بن جعفر خوانده باشد. دانی می‌گوید که او امامی برجسته و ثقه‌ای ضابط است و در الجامع خود می‌گوید: او از ابوبکر به صور ناقص قرائت را روایت کرد و در آن بر آنچه که کسائی از ابوبکر روایت کرده بود، اعتماد نمود. بر او محمد بن عباس بن شیععه و محمد بن علان و شهاب بن طالب و فضل بن زکریا جرجائی و عیسی بن محمد بن ابی لیلی و حسین بن ابراهیم بن ابی عجرم و حمدان المغربل و احمد بن محمد بن صدقه و عبدالرزاق بن حسن و علی بن یوسف و عبیدالله بن صدقه و موسی بن جمهور و محمد بن سنان شیرزی خواندند. او به سال ۲۵۸ وفات کرد(غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳).

۳۹- ترجمه‌ای برای این فرد، در منابع مورد مراجعه یافت نشد.

۴۰- غایه النهایه، پیشگفته، ج ۱، ص ۵-۲۵۴ و تاریخ القراء ... پیشگفته، ص ۲۷.

۴۱- مامقانی می‌گوید: حفص به غیاث بن معاویه ابوعمر نخعی قاضی کوفی. شیخ در رجالاتش یک بار، او را از اصحاب باقر(ع) شمرده و گفته است که او عامی است و یک بار، او را از اصحاب صادق(ع) دانسته و به عنوان فوق، اسند عنه اضافه کرده است و یک بار نیز او را از کسانی که از ائمه(ع) روایت نکرده‌اند، ذکر می‌کند به این اعتبار که روایت فرزندش از او به امام منتهی نشده است که مامقانی می‌گوید که این عدم انتها، دلیل بر این نیست که جزء اصحاب دو امام مذکور نباشد. کسی او را در میان اصحاب صادق ذکر کرده و می‌گوید که او عامی است. شیخ در الفهرست او را عامی المذهب اما دارای کتابی معتمد معرفی می‌کند(سپس طریق خود را به آن کتاب ذکر می‌نماید). دار المعالم شهر آشوب نیز عین آنچه در الفهرست هست، ذکر شده است. نجاشی پس از ذکر کامل نام و نسب حفص، می‌گوید که او از صادق(ع) روایت کرد و برای هارون متولی قضاء بغداد شرقی و سپس متولی قضاء کوفه شد و به سال ۱۶۴ در آنجا وفات کرد. او دارای کتابی با حدود ۱۷۰ حدیث است. او از موسی بن جعفر(ع) نیز روایت کرد.... و نام او همچنین در بخش دوم الخلاصه آمده و گفته شده که متولی قضاء برای هارون شد و از جعفر(ع) نیز روایت کرده است.... و نام او همچنین در بخش دوم الخلاصه آمده و گفته شده که متولی قضاء برای هارون شد و از صادق(ع) روایت کرده است.... و نام او همچنین در بخش دوم الخلاصه آمده و گفته شده که متولی قضاء برای هارون شد و از صادق(ع) روایت کرد و عامی است و کتابی معتمد دارد. در المعتمد و کشف الرموز و التنقیح و ایضاح الفخر و المدارک و غیره به سبب عامی بودن، تضعیف شده است. و صاحب کشف الرموز او را بتری می‌داند که باید گفت همه بتری‌ها، عامی نمی‌باشند. مامقانی ادامه می‌دهد: باید گفت که مشهور بودن(و ذکر شدن او در منابع رجالی مختلف) و عدم اشاره به عامی بودن او از طرف نجاشی، ما را در جزم به هامی بودنش باز می‌دارد و تولیت قضاء نیز شاید به سبب تقیه تام او باشد.... برخی از روایت‌های او که در حق ائمه(ع) می‌باشند، می‌توانند دلالت بر شیعی بودن او کنند هر چند از برخی از روایت‌های او عامی بودنش بر می‌آید. به هر حال نسبت به عامی بودن او توقف داریم و برخی از روایت‌های او عامی بودنش

بر می‌آید. به هر حال نسبت به عامی بودن او توقف داریم و بر فرض عامی بودن، شیخ در العده خود ادعای اجماع طائفه بر عتق به روایت عده‌ای از جمله حفص، کرده است. همچنین تصریح سه کتاب مذکور در این که کتابی معتمد دارد، مؤید این مطلب است. مجلسی در الوجیزه نیز می‌گوید که او ضعیف است یا مؤثق به سبب شهادت شیخ در العده به عمل اصحاب به خبر او. در ضمن صحت نقل خبر به رشید در خصوص مسابقه با طیر که به جهت آن او را کذاب گفته‌اند، نزد ما ثابت نشده است. کلاً نزد مامقانی توثیق شده است هر چند که خود ثقه نیست (تنقیح المقال، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۵۵).

عسقلانی می‌گوید که نامبرده از راویان حدیث است و در ۱۱۷ متولی و در ۱۹۵ تا ۱۹۶ وفات کرده است. و امام صادق (ع) را نیز جزء شیوخ نامبرده ذکر می‌کند و ادامه می‌دهد که اکثر مانند ابن معین و عجل و ابن خراش و ابوحاتم او را توثیق کرده‌اند و گروهی چون ابن حنبل و ابن سعد او را به تدلیس متهم کرده‌اند هر چند که ابن سعد او را ثقه هم می‌داند. ابو جعفر محمد بن حسین بغدادی از امام صادق (ع) می‌پرسد که کدامیک شعبه بن حجاج یا حفص نزد تو ایت (و ضابط تر) هستند و ایشان فرمود: هر دو، و روایت حفص بیشتر است اما کم شعبه، زیاد می‌باشد. گویند که اواخر عمر دچار نسیان شد. از ظاهر اقوال عسقلانی، عامی بودن حفص بر می‌آید و الله اعلم (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۱۵-۴۱۸ و تیز: الجرح... پیشگفته، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۶ و شذرات... پیشگفته، ج ۱، ص ۲۲۹).

۴۲- احتمالاً: علی بن عیاش بن مسلم الهانی ابوالحسن حمصی بکاء (۱۶۲-۲۱۸ یا ۲۱۹)، از راویان حدیث، ابن حنبل و عجل و نسائی و دار قطنی و دیگران او را توثیق کرده‌اند (تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۷، ص ۲۶۸-۲۶۹ و شذرات... پیشگفته، ج ۲، ص ۴۵).

۴۳- نامش عبدالرحمن بن محمد و گفته می‌شود: ناهیه بن شعیب خراسانی، ابو الحسن عسقلانی است (۱۲۲-۲۲۰ یا ۲۲۱ در نود و اندی سال). از راویان حدیث. از لیث و شعبه و... روایت کرد و بخاری و دارمی و... از او روایت نمودند. ابو داود و

احمد و ابن معین و ابو حاتم و دیگران او را توثیق کرده‌اند (تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۱، ص ۱۹۶ و الجرح ... پیشگفته، ج ۶، ص ۱۹۹ و تاریخ السراة ... پیشگفته، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۲ شذرات ... پیشگفته، ج ۲، ص ۴۷).

۴۴- علی بن حجر بن الیاس ... سعدی ابوالحسن مروزی (۱۵۴-۲۴۴) از روایان حدیث، بخاری و مسلم و ... از او روایت کردند. نسائی و خطیب و دیگران او را توثیق کرده‌اند (تهذیب التهذیب، پیشگفته، ج ۷، ص ۲۹۳-۲۹۴ و الجرح ... پیشگفته، ج ۶، ص ۱۸۲ و تاریخ التراث ... پیشگفته، ج ۱، ص ۲۱۲ شذرات ... پیشگفته، ج ۲، ص ۱۰۵).

۴۵- هشام بن عمار بن نصیر بن مسیره، ابو الولید سلمی و گفته شده: ظفری، دمشقی (۵۳-۲۵۴ یا ۲۵۵ یا ۲۵۶). از قراء طبقه ششم. امام اهل دمشق و خطیب و قاری و محدث و مفتی آنها. قرائت را عرضاً از ایوب بن تمیم و عراق بن خالد و سوید بن عبدالعزیز و ... اخذ کرد و حروف را از عتبه بن دحیه معلی بن دحیه از نافع روایت کرد. از مالک بن انس و سفیان بن عیینه و درآوردی و مسلم بن خالد زنجی و بسیاری دیگر روایت نمود. گروه بسیاری از قرائت را نقل کرده‌اند چون ابوعبید قاسم بن سلام و احمد بن یزید حلوانی. ولید بن مسلم و محمد بن شعیب (این دو شیخ هشام می‌باشند) و بخاری در صحیح خود و ابوداود و نسائی و ابن ماجه در سنن‌های خود، و ... یحیی بن معین و نسائی و دارقطنی و گروهی دیگر کماوبیش او را توثیق کرده‌اند و عده‌ای چون صالح بن محمد و ابن واره و ... او را حدیث فروش توصیف نموده‌اند و این که ارسال می‌کرده است. ابن حنبل او را سبک سر می‌داند و نماز خواندن پشت سر او را جائزه نمی‌دانست. او فصیح و علامه و پر روایت و درایت مشهور می‌داند. او طول عمری طولانی کرد در حالی که عقل و رأیش سالم بود هر چند ابن ابی حاتم بر آنست که اواخر عمر تغییر کرد. مردم از هر سوی برای حدیث و قرآن روی به او می‌آوردند ... (غایه النهایه، پیشگفته، ج ۲، ص ۵۶-۲۵۴ و تهذیب التهذیب، عسقلانین ج ۱۱، ص ۵۱ به بعد و معجم حفاظ ... پیشگفته، ج ۱، ص ۶۰۱ به بعد و تاریخ التراث ... ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳ شذرات ... پیشگفته، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۰ و الجرح ... پیشگفته، ج ۹، ص ۶۶-۶۷). اما اشاره‌ای به شاگردی او از حفص نیست.



۴۶- ابو عبدالله حمصی معروف به ابرش (م. ۱۹۲ یا ۱۹۴). از راویان حدیث التراث ... ، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳ شذرات ... ، پیشگفته، ج ۹ ص ۱۰۹-۱۱۰ و الجرح ... ، پیشگفته، ج ۷، ص ۲۳۷).

۴۷- ابوالحسن کوفی اکفائی ، قاری و راوی حدیث . از گروهی چون حفص و اعمش روایت کرده است . ابو حاتم و ابن عدی او را تضعیف کرده و ابن حبان او را ثقه دانسته است (تهذیب التهذیب ، پیشگفته، ج ۷، ص ۳۹۵-۳۹۶ و الجرح ... ، پیشگفته، ج ۶، ص ۲۰۹ و شذرات ... ، پیشگفته، ج ۱، ص ۳۴۱).

۴۸- محمد بن سلیمان بن حبیب ... اسدی ابوجعفر مصیصی علاف به لوین (۱۳۰ یا ۱۴۰ - ۲۴۰ یا ۲۴۵ یا ۲۴۶)، راوی حدیث ، از مالک و سفیان بن عیینه و شنید و ابو داود و نسائی و ... از روایت نمودند. ابن ابی حاتم و نسائی و ابن حبان و دیگران او را توثیق کرده‌اند (تهذیب التهذیب ، پیشگفته، ج ۹، ص ۱۹۸-۱۹۹ ، الجرح ... ، پیشگفته، ج ۷، ص ۲۶۷، تاریخ التراث ... ، پیشگفته، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۴ ، شذرات ... ، ج ۲، ص ۱۱۲) .

۴۹- تهذیب التهذیب ، پیشگفته، ج ۲، ص ۴۰۰.

به یاری خداوند ، در شماره بعدی ، درباره شیوخ حفص در امر روایت حدیث بحث خواهد شد.

من الله التوفیق

پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
\* \* \*  
پرتال جامع علوم انسانی

# علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی

مجله اول



تألیف  
صادق آینه‌وند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۷۷